

گزارشی از تبویب چند کتاب نحوی*

رضا گیلانی**

هر علمی در حال تطور و پیشرفت است و مسیر تکامل و دقت را می‌پیماید. یکی از اموری که در این فرآیند تغییر می‌کند، ساختار آن علم است. ساختاری که خود را در نحوه تبویب کتب آن علم نشان می‌دهد. در نگاه به تبویب یک کتاب علمی می‌توان ذهنیت آن نویسنده را نسبت به آن علم دریافت و فهمید در ذهن نویسنده کدام پیش‌فرض‌های کلی حاضر بوده است. علم نحو به عنوان اولین علم نقلی که در حوزه‌های علمیه خوانده می‌شود از این مسئله مستثنا نیست.

هر چه تاریخ علم نحو جلو می‌رود مطالب نحوی نظم و سازمان بیشتری در ذهن علمای نحو پیدا می‌کند. اولین کتاب نحوی، *الکتاب سیبویه* است. این کتاب را باید مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کتاب در تاریخ نحو دانست، به طوریکه منبع علم نحو به شمار می‌آید و علمای نحو در مسائل مختلف به آن استناد می‌کنند. از همین روست که به «قرآن النحو» ملقب شده است. در این کتاب احساس می‌شود که نظم خاصی بر آن حاکم نیست و مطالب به صورت پراکنده در آن جاگرفته‌اند. چنانچه اگر کسی

* این اثر، مقاله علمی نیست و صرفاً یک گزارش است.

** طلبه پایه چهارم مدرسه شهیدین (ره)، تاریخ نگارش مقاله: دی ۱۳۹۷

الکتاب را کامل نخوانده باشد نمی‌تواند به راحتی مسئله مورد نظرش را بیابد. تنوع و پراکندگی مسائل و نبود یک تبویب مشخص در الکتاب سبب آن شد که به تدریج سیری در نحو برای «خلاصه نگاری» الکتاب آغاز شود. تبویب مسائل الکتاب و ارتباط دادن آن‌ها به هم کاری بود که در این خلاصه‌ها انجام می‌شد. نکته حائز اهمیت این است که شروح و حواشی مهمی بر این خلاصه‌ها نوشته شده و اطلاع از آن‌ها می‌تواند محقق را در احاطه بر یک مسئله نحوی یاری رساند.

این کتب به ترتیب عبارتند:

- الجمل فی النحو، زجاجی (م ۳۴۰)
- الايضاح العضدی، ابوعلی فارسی (م ۳۷۷)
- اللمع فی العربیة، ابن جنی (م ۳۹۲)
- المفصل فی صنعة الاعراب، زمخشری (م ۵۳۸)
- الکافیة، ابن حاجب (م ۶۴۶)
- الفیة، ابن مالک (م ۶۷۲)
- الفوائد الصمدیة، شیخ بهایی (م ۱۰۳۱)

بعد از الکتاب، در فهرست رایج کتب نحوی چندین شاخصه اصلی دیده می‌شود. همه آن‌ها ابتدا کلمه را به سه دسته اسم، فعل و حرف تقسیم می‌کنند. سپس اعراب و بناء را مطرح کرده و با تلفیق این دو دسته‌بندی، بحث را ادامه می‌دهند. بعد از آن، اسماء مرفوع سپس اسماء منصوب و در آخر اسماء مجرور مطرح می‌شود. سپس توابع بیان می‌شود. در بخش فعل، فعل معرب که همان فعل مضارع باشد را بیان می‌کنند و از ادات نصب و ادات جزم آن سخن به میان می‌آورند. در بخش حروف نیز، حروف عامل مخصوصا حروف جر را بر می‌شمرند.

جدای از این تقسیم‌بندی کلی، چیزی که می‌بینیم این است که جای‌گذاری بعضی مباحث در این کتاب‌ها خیلی سوال برانگیز است. این‌که چرا مولف این بحث را بعد

از فلان بحث آورده است و چه ارتباط و تناسبی بوده که ترتیب این‌گونه شده است؟ در خیلی از موارد، نگارنده به جواب درست و قابل قبولی نرسید. در تحلیل این امر به نظر می‌رسد که صرف نظر از آن شاکله کلی، علمای نحو نتوانسته بودند برای بقیهٔ مباحث در نظام کلی خود جایی بیابند و با یک عقلانیت مطلوب تمام مباحث را پشت سر هم بیاورند. اما چون می‌دانستند این بحث هم باید ذکر شود به کم‌ترین مناسبتی آن را در کتاب ذکر می‌کرده‌اند.

اما هر چه می‌گذرد علمای نحو بهتر می‌توانند از عهدهٔ ساماندهی مطالب نحوی برآیند و هر کدام از آن‌ها را در جای مناسب قرار می‌دهند. جایگاهی که ارتباطش با ماقبل و مابعد به راحتی فهمیده می‌شود. پیشرفت و ارتقاء تبویب مسائل نحوی را می‌توان با بررسی فهرست کتاب‌های سیر خلاصه‌نگاری مشاهده کرد. با دیدن ابواب این کتب می‌توان تکاملی را که در دسته‌بندی موضوعات علم نحو انجام شده، دید. تکاملی که به تبویب منظمی مثل تبویب صمدیه و هدایه (کافیه) ختم شده است. بر این اساس در ادامه، گزارشی از تبویب کتاب‌های *الجمل*، *الایضاح*، *اللمع* و *المفصل* ارائه می‌شود و بعد از آن مقایسه‌ای بین تبویب *هدایه* (کافیه ابن حاجب) و صمدیه و همچنین *هدایه* و *الفیه* می‌آید.

الجمل زجاجی

اولین کتاب مهم در زمینه تلخیص *الکتاب*، *الجمل* زجاجی است. می‌توان جایگاه این کتاب را به جایگاه شرح لمعه در فقه تشبیه کرد؛ از این جهت که این کتاب هم به مبارک بودن مشهور بوده و شروح و حواشی متعددی بر آن نوشته شده‌است. قفطی در *انباه الرواة* می‌گوید:

«و *الکتاب* مبارک ما اشتغل به أحد إلا انتفع. وسمعت من لفظ الشيخ أبي البقاء صالح بن عادی العذری الأنماطی النحوی نزیل قفط أن الزجاجی رحمه الله

صنف الجمل بمكة، حماها الله. وكان إذا فرغ من باب طاف به أسبوعا، ودعا الله أن يغفر له، وأن ينفع به قارئه؛ فلهذا انتفع به الطلبة. و هو كتاب المصريين وأهل المغرب وأهل الحجاز و اليمن و الشام إلى أن اشتغل الناس باللمع لابن جنّي، والإيضاح لأبي علي الفارسي.^۳

نکنه قابل توجه کتاب مذکور این است که اگر علم نحو را علمی دانستیم که جهت جلوگیری از لحن در زبان عربی و حفاظت از ملکه فصاحت شکل گرفته است، مطالب این کتاب دقیقا متناسب با این هدف جمع آوری شده است. در کتاب های نحوی دیگر بعضا عناوینی که متعلق به علوم دیگرند آمده ولی کتاب الجمل از این جهت مبرا است و مباحثش با غرض و هدف اصلی این علم همخوانی کامل دارد.

فهرست مباحث زجاجی در جمل به این صورت می باشد:

باب الاعراب، باب معرفة علامات الاعراب، باب الافعال، باب التثنية و الجمع، باب الفاعل و المفعول به، باب ما يتبع الاسم في اعرابه، باب النعت، باب العطف، باب التوكيد، باب البدل، باب اقسام الافعال في التعدى، باب ما تعدى اليه الافعال المتعدية و غير المتعدية، باب الابتداء، باب اشتغال الفعل عن المفعول بضميره، باب الحروف التي ترفع الاسماء وتنصب الاخبار، باب الحروف التي تنصب الاسم و ترفع الخبر، باب الفرق بين إنّ و أنّ، باب حروف الخفض، باب «حتى» في الاسماء، باب القسم و حروفه، باب ما لم يسمّ فاعله، باب من مسائل ما لم يسمّ فاعله، باب اسم الفاعل، باب الامثلة التي تعمل عمل اسم الفاعل، باب الصفة المشبهة باسم الفاعل فيما تعمل فيه، باب التعجب، باب «ما»، باب نعم و بئس، باب حبذا، باب الفاعلين و المفعولين الذين يفعل كل واحد منهما بصاحبه مثلما يفعل به الآخر، باب ما يجوز تقديمه من المضممر

۳. علی بن یوسف القفطی، إنباه الرواة علی أنباه النحاة، ج ۲، صص ۱۶۰-۱۶۱

على الظاهر و ما لا يجوز، باب اضافة المصدر الى ما بعده، باب العدد، باب تعريف العدد، باب ثانی اثنين وثالث ثلاثة، باب ما يحتمل من العدد على اللفظ لا على المعنى، باب «كم»، باب «مذ و منذ»، باب الجمع بين إن و كان، باب الفصل و يسميه الكوفيون العماد، باب الاضافة، باب التاريخ، باب النداء، باب الاسمين الذين لفظهما واحد والآخر مضاف منهما، باب اضافة المنادى الى ياء المتكلم، باب ما لا يجوز فيه الاثبات الياء، باب ما لا يقع الا فى النداء خاصة و لا يستعمل فى غيره، باب الاستغاثة، باب الترخيم، باب ما رحمت الشعراء فى غير النداء اضطرارا، باب الندبة، باب المعرفة والنكرة، باب الحروف التى تنصب الافعال المستقبلية، باب الجواب بالفاء، باب أو، باب الواو، باب وحده، باب من مسائل حتى فى الافعال، باب من مسائل الفاء، باب من مسائل اذن، باب من مسائل أن الخفيفة الناصية للفعل المستقبل، باب افعال المقاربة، باب من المفعول المحمول على المعنى، باب الحروف التى تجزم الافعال المستقبلية، باب الامر والنهى، باب ما يجزم من الجوابات، باب الجزاء، باب ما ينصرف و ما لا ينصرف، باب اسماء القبائل و الاحياء و السور و البلدان، باب ما جاء من المعدول على فعال، باب الاستثناء، باب الاستثناء المقدم، باب الاستثناء المنقطع، باب النفي بالـ«لا»، باب دخول الف الاستفهام على «لا»، باب التمييز، باب الأجراء، باب التصغير، باب تصغير الثلاثى، باب تصغير الرباعى، باب تصغير الخماسى و مافوقه، باب تصغير الظروف، باب تصغير الاسماء المبهمه، باب النسب، باب الف القطع و الف الوصل، باب معرفة المعرب و المبنى، باب المخاطبة، باب الهجاء، باب آخر من الهجاء، نوع آخر من الهجاء، نوع آخر من الهجاء، باب احكام الهمزة فى الخط، باب المقصور و الممدود، باب المذكر والمؤنث، باب ما يؤنث من جسد الانسان و لا يجوز تذكيره، باب ما يؤنث من غير اعضاء الحيوان و لا يجوز تذكيره، باب ما يذكر و يؤنث من اعضاء الحيوان، باب ما يذكر و لا يجوز تأنيثه من الاعضاء، ما يذكر و يؤنث من غير ما ذكرنا، باب الافعال المهموزة، باب أمس، باب اسماء الفاعلين والمفعولين، باب الحروف التى يرتفع ما

بعدها بالابتداء و الخبر و تسمى حروف الرفع، باب ما ينتصب على اضمار الفعل المتروك اظهاره، باب ما يمتنع من الاستفهام أن يعمل فيه ما قبله، باب الوقف، باب لو و لولا، باب ما جاء من المثنى بلفظ الجمع، باب ما يحذف منه التنوين لكثرة الاستعمال، باب اقسام المفعولين، باب مواضع «ما»، باب مواضع «من»، باب مواضع «أى»، باب الحكاية، باب القول، باب الحكاية بـ«من»، باب حكاية اسماء الاعلام بـ«من»، باب حكايات النكرات بـ«من»، باب الحكاية بـ«أى»، باب حكايات الجمل، باب من الحكاية آخر، باب ماذا، باب مواضع إن المسكورة الخفيفة، باب مواضع أن المفتوحة المخففة، باب الجواب بـ«بلى» ونعم، باب أو و أم، باب النون الثقيلة و الخفيفة، باب الصلات، باب جمع المكسر، باب معرفة ابنية أقل العدد، باب تكسير ما كان على أربعة و فيه حرف لين، باب جمع ما كان على أفعل، باب تكسير ما كان على فاعل، باب تكسير ما كان على أربعة أحرف أو خمسة، باب جمع ما كان على فعلة، باب ما يجمع من الجمع، باب ابنية المصادر، باب اشتقاق اسم المكان و المصدر، باب ابنية الاسماء، باب ما يجوز للشاعر أن يستعمله في ضرورة الشعر، باب الإمالة، باب أبنية الافعال، باب التصريف، باب منه آخر، باب الادغام، باب الحروف المهموسة، باب الحروف المهجورة، باب من شواذ الادغام.

الايضاح العضدى ابوعلی فارسی

کتاب الايضاح دومین کتاب مهم در زمینه سیر تلخیص نگاری نحوی است که بعد از الجمل زجاجی جایگاه ویژه‌ای در متون درسی زمان خود باز نموده و چندین قرن شروح و حواشی مهمی را حول خود ایجاد نمود. این کتاب به عنوان مفتاح و کلیدی برای کتاب سیبویه محسوب می‌شده است. ابن خلف نحوی در شعری این‌طور این کتاب را توصیف می‌کند:

وصل الغدو لفهمه برواح

أضع الكرى لتحفظ الإيضاح

هو بغية المتعلمين و من بغى
 لأبى علىّ فى الكتاب إمامة
 يفضى إلى أسرارہ بنوافذ
 فيخاطب المتعلمين بلفظه
 مضت العصور فكلّ نحو ظلمة
 أوصى ذوى الإعراب أن يتذكروا
 فإذا هم سمعوا النصيحة أنجحوا
 حمل الكتاب يلجہ بالمفتاح
 شهد الرواة لها بفوز قداح
 من علمه بهرت قوى الأمداح
 و يحلّ مشكله بومضة واحى
 و أتى فكان النحو ضوء صباح
 بحروفه فى الصّحف والألواح
 إنّ النصيحة غبها لنجاح^٤
 فهرست مباحث ابوعلی فارسی در الايضاح به اين صورت می باشد:

الكلام يأتلف من ثلاثة اشياء، باب ما اذا ائتلف من هذه الكلم الثلاث كان كلاما مستقلا، باب حدّ الاعراب، باب البناء، باب من احكام او اواخر الاسماء المعربة، باب التثنية و الجمع باب اعراب الافعال، باب اعراب الاسماء، باب الابتداء، باب خبر المبتدأ، باب من الابتداء بالاسماء الموصولة، باب الاخبار بالذى و بالالف و اللام، باب الفاعل، باب الفعل المبني للمفعول به، باب الافعال التى لا تنصرف، باب نعم و بئس، باب التعجب، باب العوامل الداخلة على المبتدأ و الخبر، باب ما، باب إنّ و اخواتها، باب ظننت و اخواتها، باب الاسماء التى اعملت عمل الفاعل، باب اسماء الفاعلين و المفعولين، باب الصفة المشبهة باسم الفاعل، باب المصادر التى اعملت عمل الفاعل، باب الاسماء التى سميت بها الافعال، باب الاسماء المنصوبة: المفعول المطلق، باب المفعول به، باب الفعل الذى يتعدى الى مفعولين، باب الفعل الذى يتعدى الى ثلاثة مفعولين، باب المفعول فيه، باب الظروف من المكان، باب المفعول معه، باب المفعول له، باب ما انتصب على التشبيه بالمفعول، باب الحال، باب التمييز، باب الاستثناء، باب ما جاء بمعنى إلا من الكلم، باب الاستثناء المنقطع، باب تمييز الاعداد، باب كم، باب

٤. عبد الرحمن بن ابى بكر سيوطى، تحفة الاديب فى نحاة مغنى اللبيب، ج ٢، ص ٦٥٩

النداء، باب الترخيم، باب النفي بلا، باب النكرة المضافة، باب الاسماء المجرورة، باب حتى، باب ما يستعمل مرة حرف جر و مرة غير حرف جر، باب مذ و منذ، باب القسم، باب الاسماء المجرورة باضافة اسماء مثلها اليها، باب الاضافة التي ليست بمحضة، باب تواع الاسماء في اعرابها، باب الصفة الجارية على الموصوف، باب وصف المعرفة، باب عطف البيان، باب البدل، باب حروف العطف، باب ما لا ينصرف، باب ما كان على وزن الفعل، باب الصفة التي لا تنصرف، باب التأنيث، باب ما كان في آخره الف و نون مضارعتان لألف التأنيث، باب التعريف، باب العدل، باب الجمع الذي لا ينصرف، باب الاسماء الاعجمية، باب الاسمين اللذين يجعلان اسما واحدا، باب اعراب الافعال، باب الافعال المرفوعة، باب الافعال المنصوبة، باب الحروف الجازمة، باب المجازاة، باب النون الثقيلة والخفيفة.

اللمع ابن جنى

کتاب اللمع، سومین کتاب مهم در تاریخ خلاصه نگاری در علم نحو توسط بزرگان آن می‌باشد. ابن جنی از شاگردان ابوعلی فارسی است. این کتاب متأثر از ایضاح ابوعلی فارسی نوشته شده و با تدقیق بیشتر در تبویب و محتوای مباحث نحوی یکی دیگر از مراحل شکل‌گیری قالب‌های رسمی علم نحو می‌باشد. فهرست مباحث ابن جنی در لمع به این شرح می‌باشد:

الكلام، المعرب والمبنى، الاعراب والبناء، اعراب الاسم الواحد، اعراب الاسم المعتل، التثنية، جمع التذكير، جمع التأنيث، جمع التكسير، الافعال، معرفة الاسماء المرفوعة، المبتدأ، الخبر، الفاعل، المفعول الذى لم يسم فاعله، كان و اخواتها، ان و اخواتها، باب لا فى النفي، معرفة الاسماء المنصوبة، المفعول المطلق، المفعول به، المفعول فيه، ظروف الزمان، ظروف المكان، المفعول له، المفعول معه، المشبهة بالمفعول فى اللفظ، الحال، التمييز، الاستثناء، معرفة الاسماء المجرورة، حروف الجرّ مذ

و منذ، حتی، الاضافة، معرفة ما يتبع الاسم في اعرابه، الوصف، التوكيد، البدل، عطف البيان، عطف النسق، النكرة و المعرفة، النداء، الترقيم، الندبة، اعراب الافعال و بناؤها، الحروف التي تنصب الفعل، حروف الجزم، الشرط و جوابه، التعجب، نعم و بئس، حبذا، عسى، كم، معرفة ما ينصرف و ما لا ينصرف، العدد، الجمع، القسم، الموصول والصلة، النونين، النسب التصغير، الفات القطع و الفات الوصل، الاستفهام، ما يدخل على الكلام فلا يغيره، الحكاية، الخطاب، الامالة.

المفصل في صنعة الاعراب الزمخشري

یکی دیگر از منابع مهم نحوی که در پیرامون آن شعاع‌های مهمی از تراث نحوی شکل گرفته است کتاب *المفصل* می‌باشد. در این کتاب سعی شده با تقسیم‌های کلان به صورت هندسی به ابواب این علم نظم داده شود. زمخشری مباحث علم نحو را با محوریت جدا نمودن مباحث مربوط به اسم از فعل و فعل از حرف دنبال می‌کند. همچنین قسم چهارم کتاب خود را در مباحث مشترک بین این سه قسم قرار داده است. سیوطی در *تحفة الادیب* می‌گوید:

«كان يزعم أنه ليس في كتاب سيبويه مسألة إلا و قد تضمنها هذا الكتاب. و يحكى أن بعض أهل الأدب أنكر عليه هذا القول، و ذكر له مسألة من كتاب سيبويه، و قال: هذه ليست فيه. فقال: إنها و إن لم تكن فيه نصًا إلا أنها فيه ضمنا. و بين له ذلك»^۵.

جناب صدرالافاضل که خود شرحی بر *المفصل* به نام *التخمير* دارد در تمجید از این کتاب این گونه می‌گوید:

«هذا و إن المفصل لشيخنا جار الله العلامة أبي القاسم محمد بن عمر الزمخشري

۵. عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی، *تحفة الادیب فی نحة مغنی اللیب*، ج ۱، ص ۳۷۶.

رحمه الله كتاب جامع فيه من كل فن اعرابي فصل محصوله معنى لطيف و لفظ
جزل و لعمرى إنه باكتنازه واختصاره خير من «الكتاب» مع سعته و انتشاره و
إني بعد ما حصلت روايته قراءة حلقت عليه قريبا من ثلاثين سنة»^٦
فهرست مباحث زمخشرى در مفصل به اين صورت مى باشد:

مقدمة

فصل فى معنى الكلمة و الكلام

القسم الاول من الكتاب و هو قسم الاسماء:

الاسم المعرب، القول فى وجوه اعراب الاسم، ذكر المرفوعات: الفاعل، المبتدأ و
الخبر، خبر إن و اخواتها، خبر لا التى لنفى الجنس، اسم ما و لا المشبهتين بليس، ذكر
المنصوبات: المفعول المطلق، المفعول به، المفعول فيه، المفعول معه، المفعول له،
الحال، التمييز، المنصوب على الاستثناء، الخبر و الاسم فى بابى كان و إن، المنصوب
بلا التى لنفى الجنس، ذكر المجرورات، ذكر التوابع: التأكيد، الصفة، البدل، عطف البيان،
العطف بالحرف، المبنى: المضمرة، اسماء الأشارة، الموصولات، اسماء الافعال و
الاصوات، الظروف، المركبات، الكنايات، من اصناف الاسم: المثنى، الاسم المجموع،
المعرفة والنكرة، المذكر والمؤنث، المصغر، المنسوب، العدد، الاسم المقصور
والممدود، الاسماء المتصلة بالافعال: المصدر، اسم الفاعل، اسم المفعول، الصفة
المشبهة، افعال التفضيل، اسما الزمان والمكان، اسم الآلة، من اصناف الاسم: الثلاثى،
الرباعى، الخماسى.

القسم الثانى من الكتاب و هو قسم الافعال:

من اصناف الفعل: الماضى، المضارع، ذكر وجوه اعراب المضارع، المرفوع،
المنصوب، المجزوم، ومن اصناف الفعل: مثال الامر، الفعل المتعدى و غير المتعدى،

٦ . القاسم بن الحسين الخوارزمى صدر الافاضل، التنخيم، ج ١، ص ١٣٢

الفعل المبني للمفعول، افعال القلوب، الافعال الناقصة، افعال افعال المقاربة، فعلا المدح والذم، فعلا التعجب، الفعل الثلاثي، الفعل الرباعي.

القسم الثالث من الكتاب وهو قسم الحروف:

من اصناف الحرف: حروف الاضافة، الحروف المشبهة بالفعل، لكن، كأن، لعل، و من اصناف الحرف: حروف العطف، حروف النفي، حروف التنييه، حروف النداء، حروف التصديق و الايجاب، حروف الاستثناء، حرفا الخطاب، حروف الصلة، حرفا التفسير، الحرفان المصدريان، حروف التحضيض، حرف التقريب، حروف الاستقبال، حرفا الاستفهام، حرفا الشرط، حرف التعليل، حرف الردع، اللامات، تاء التأنيث الساكنة، التنوين، النون المؤكدة، هاء السكت، شين الوقت، حرف الانكار، حرف التذکر.

القسم الرابع من الكتاب وهو قسم المشترك:

من اصناف المشترك: الامالة، الوقف، القسم، تخفيف الهمزة، التقاء الساكنين، حكم اوائل الكلم، زيادة الحروف، ابدال الحروف، الاعتلال، القول في الواو و الياء فاءين، القول في الواو و الياء عينين، القول في الواو و الياء لامين، و من اصناف المشترك الادغام.

الكافية ابن الحاجب

يكي ديگر از مهم ترين و موفق ترين تلخيص نگاري هاي نحوي كتاب الكافية مي باشد. نام كامل اين كتاب، «كافية ذوي الارب في معرفة كلام العرب» مي باشد. قابل توجه است كه ابن حاجب صرف و نحو را از هم جدا کرده و مطالب هر کدام را در كافية و شافية آورده است. و قاعدتا در كتاب كافية مطلب صرفي ديده نخواهد شد. همچنين بنای ابن حاجب اين بوده كه كتاب مختصري در نحو بنويسد و خواننده را با نحو آشنا كند؛ بنابر اين از تفصيل اجتناب کرده است. در كتاب هاي قبلي تنها به بيان خواص اقسام كلمه مي پرداختند ولي در اين كتاب علاوه بر ذكر خواص اقسام كلمه،

تعریفی نیز برای آن‌ها ذکر می‌شود.

کتاب *الهدایة فی النحو* خلاصه شده همین کتاب کافیه است. البته وی تمام ابواب کافیه را آورده است و فقط در بیان مطالب، ذیل هر باب مقداری تلخیص صورت گرفته است.^۷

مقایسه کتاب‌های *هدایة* و *صمدیة*

در یک نگاه کلی به فهرست این دو کتاب می‌بینیم که هر دو مولف به اقسام کلمه (اسم و فعل و حرف) توجه داشته‌اند. همچنین در اسماء به معرب و مبنی و در معربات به مرفوعات و منصوبات و مجرورات و به توابع. یعنی در هر دو کتاب بعد از مقدمه، فصل‌های اصلی را اسم، فعل و حرف تشکیل می‌دهد. البته *صمدیة* یک فصل مجزا دربارهٔ جمل دارد.

در هر دو کتاب به تعریف علم نحو، بیان غرض و موضوع آن و تعریف کلمه و اقسامش پرداخته شده است. همچنین خواص هر کدام از اقسام کلمه نیز بیان شده است. بعد از آن کلام، اعراب و معرب تعریف می‌شود. سپس هر کدام به نحوی به اقسام اعراب می‌پردازند.

در *هدایة* مولف نه دسته از کلمات ذکر می‌کند و در هر دسته کلماتی را که اعرابشان در سه حالت رفعی و نصبی و جری یکی است ذکر می‌کند. ولی در *صمدیة* برای هر کدام از رفع و نصب و جر و همچنین جزم دسته‌ای قرار می‌دهد. سپس علامت‌های مختلف رفع را ذکر می‌کند و مثلاً می‌گوید که علائم رفع چهار تاست: ضمه، الف، واو و نون. سپس بیان می‌کند که چه کلماتی (هم اسم و هم فعل) رفعشان به ضمه ظاهر می‌شود و همچنین در *صمدیة* مواضع اعراب تقدیری را مشخصاً

۷. أما بعد فهذا مختصر مضبوط فی علم النحو جمعت فيه مهمات النحو علی ترتیب الکافیة مبویاً و مَفَصَّلاً بعبارة واضحة مع إيراد الأمثلة فی جمیع مسائلها من غیر تعرُّض للأدلة و العلل لئلا یشوش ذهن المبتدی عن فهم المسائل.

بیان می‌کند در حالی که در *هلائیة* اعراب تقدیری در خلال همان دسته‌های نه گانه بیان شده بود.

بعد از بیان اقسام اعراب در *هلائیة* به بحث اسم‌های غیر منصرف می‌پردازد که در *صمدیة* در پایان حدیقه دوم (فی الاسماء) این مسئله طرح می‌شود.

شاید بتوان این‌طور گفت که در *هلائیة* در بخش انواع اعراب، دسته دومی ذکر می‌شود به نام اعراب اسم‌های غیر منصرف. به همین دلیل بلافاصله بعد از اتمام انواع اعراب، اسماء را اینگونه تعریف می‌کند تا مجهولی به اسم غیر منصرف ذهن مخاطب را نیازارد. ولی در *صمدیة* مباحث طبق ترتیب عقلایی مطرح شده و وقتی به پایان بخش اسم می‌رسد، مسئله اسماء غیر منصرف که از مباحث مهم اسماء است مطرح می‌شود.

سپس هر دو کتاب به بیان نقش‌های مرفوعی و منصوبی و مجروری می‌پردازند. یعنی از جایگاه‌هایی بحث می‌کنند که اگر اسم در آن‌ها قرار بگیرد اعراب رفعی یا نصبی یا جری خواهد گرفت. البته در این‌جا هم اختلافی بین دو کتاب هست و آن این‌که در *صمدیة* دسته چهارمی اضافه می‌کند و در آن نقش‌هایی را می‌آورد که هم منصوب هستند و هم غیر منصوب. این نقش‌ها از جهت غلبه داشتن نصب در آن‌ها، در *هلائیة* در همان بخش منصوبات آورده شده‌اند ولی در *صمدیة* چون دسته‌های سه-گانه کلمات را قبلاً ذکر کرده است، فقط مواردی را می‌آورد که یک اعراب دارند. مثلاً فقط مرفوع هستند. و در دسته چهارم مواردی ذکر می‌شود که چندین اعراب دارند و اعراب نصب در آن‌ها غلبه دارد.

در قسمت مرفوعات در هر دو کتاب نقش فاعل، نائب فاعل، مبتدا و خبر به همین ترتیب بررسی می‌شود. بعد از ذکر مبتدا و خبر به تناسب، هر دو کتاب وارد بحث نواسخ می‌شوند و از حروف مشبهة بالفعل، افعال ناقصه، حروف شبیه به لیس و لای نفی جنس بحث می‌کنند. *صمدیة* افعال مقاربه را نیز مطرح می‌کند که در *هلائیة*

در بخش افعال از آن بحث شده است. بعد از مرفوعات هر دو کتاب وارد بخش منصوبات می‌شوند. در هر دو ابتدا مفاعیل خمسه را مطرح می‌کنند. در ادامه صمدیه منصوب به نزع خافض را به عنوان منصوب ششم مطرح می‌کند که در هدایه نیامده است. بعد هر دو حال و تمییز را مطرح می‌کنند. در هدایه بعد از تمییز و حال، مستثنی را ذکر می‌کند که گفته شد در صمدیه در بخش چهارم از آن بحث می‌شود. در هدایه به مناسبت ذکر مفعول به، ابواب اغراء، تحذیر، اختصاص و اشتغال، نداء نیز مطرح می‌شوند.

در بخش مجرورات صمدیه به مناسبت این که حرف جر مقدر باشد یا مذکور، دو دسته را عنوان می‌کند: (۱) مضاف الیه (۲) مجرور به حرف جر. در هدایه هم گرچه این تقسیم‌بندی (این که حرف جر ملفوظ باشد یا مقدر) را بیان می‌کند اما فقط قسمت مضاف الیه (حرف جر مقدر) را در این بخش (مجرورات) توضیح می‌دهد. و دو قسم کلی آن یعنی اضافه معنوی و اضافه لفظی را ذکر می‌کند.

کتاب صمدیه بعد از مجرورات همان دسته چهارم را ذکر می‌کند که هم به صورت منصوب و هم به صورت غیر منصوب استعمال می‌شوند ولی غالباً منصوب هستند. جناب شیخ بهایی در این فصل چهار عنوان را ذکر می‌کند: مستثنی، باب اشتغال، منادا و ممیز اسماء عدد. بعد از این چهار دسته به بررسی اسماء مبنی و سپس توابع می‌پردازد ولی در هدایه بعد از مجرورات، ابتدا توابع بحث می‌شوند سپس اسماء مبنی ذکر می‌شوند.

در کتاب صمدیه بعد از ذکر توابع در فصلی با عنوان «الاسماء العاملة المشبهة بالافعال» پنج اسم یعنی مصدر، اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبیه و اسم تفضیل را ذکر می‌کند. در آخر بخش اسم، همچنانی که قبلاً اشاره شد بحث‌های اسم غیر منصرف و اسباب منع صرف مطرح می‌شود. ولی در هدایه بعد از ذکر مبنیات در خاتمه بخش اسماء، علاوه بر بررسی اسماء عامله مشبیه بالفعل، از تعریف و تنکیر و



اسماء عدد و مذکر و مونث و تشبیه و جمع نیز صحبت می‌کند و بدین ترتیب باب اول پایان می‌یابد.

فصل بعدی در هر دو کتاب بعد از بخش اسم، دربارهٔ افعال است. *هلائیة* در باب ثانی و *صمدیة* در حدیقه ثالثه. این دو بخش تقریباً مثل هم هستند و تفاوت چندانی ندارند. البته *صمدیة* از لحاظ حجم کم‌تر است. در هر دو از فعل مضارع و اعراب آن و عوامل نصب و جزمش صحبت شده است. همچنین در هر دو افعال قلوب، افعال مدح و ذم و فعل تعجب آمده است. در *هلائیة* چون در مرفوعات (در بخش نواسخ) به طور مفصل از افعال ناقصه و افعال مقاربه بحث نکرده بود، در این جا بحث می‌کند. بر خلاف *صمدیة* که از افعال ناقصه و افعال مقاربه و دیگر نواسخ بعد از مبتدا و خبر بحث کرده است. در *صمدیة* در پایان این بخش از باب تنازع هم سخن به میان می‌آید که در *هلائیة* اصلاً مطرح نشده است.

حدیقهٔ چهارم در *صمدیة* را بحث از جمل تشکیل می‌دهد. جناب شیخ بهایی در این فصل ابتدا به توضیح هفت قسم جمله‌ای می‌پردازد که محلی از اعراب دارند و سپس هفت قسمی را ذکر می‌کند که محلی از اعراب ندارند. این در حالی است که در *هلائیة* بحثی از اعراب جمل به میان نیامده است. ذکر این حدیقه یکی از تفاوت‌های اصلی *هلائیة* با *صمدیة* است. در کتب گذشته مشخصاً و به صورت جدا از «اعراب جمله» بحث نمی‌کردند. ولی در *صمدیة* چنین توجهی دیده می‌شود؛ علت این توجه را می‌توان متأثر از تالیف کتاب مغنی دانست. در این کتاب در باب ثانی و تا حدی در باب ثالث به بحث از جمل پرداخته شده است.

از هر دو کتاب یک فصل دیگر بیشتر باقی نمی‌ماند. از *هلائیة* باب سوم در حروف و از *صمدیة* حدیقهٔ پنجم در مفردات. گرچه مفردات عمدتاً همان حروف هستند ولی گاهی اسماء و ظروفی که متضمن معنای حرف هستند نیز در آن داخل می‌شوند. در *هلائیة* به ذکر اقسام مختلف حروف از قبیل حروف جر، حروف مشبّهة بالفعل،

حروف مصدریه، حروف تفسیریه و ... پرداخته می‌شود و در هر قسم موارد آن را بیان می‌کند و توضیح می‌دهد. اگر حرفی دو معنا و دو استعمال داشته باشد قاعدتا دو بار ذکر می‌شود. مثلاً «حتی» یک بار در حروف جر ذکر می‌شود و یک بار هم در حروف عطف. اما در مفرداتی که صمدیه از آنها بحث می‌کند یک بار «حتی» را ذکر می‌کند و تمام استعمالات آن را ذیلش می‌آورد. بدین ترتیب که حروف را به ترتیب حروف معجم ذکر می‌کند و در ذیل هر کدام تمام استعمالاتش را (گرچه استعمال اسمی یا فعلی باشد) ذکر می‌کند. البته این را هم باید گفت که مفردات صمدیه بسیار کمتر از آن چیزی است که در *هدایه* می‌خوانیم.

در پایان می‌توان این‌گونه جمع بندی کرد که کتاب صمدیه از لحاظ فهرست مترقی‌تر از کتاب *هدایه* است. همچنین کتاب صمدیه از این جهت که قواعد را با کوتاه‌ترین تعابیر بیان می‌کند حائز اهمیت است. به همین خاطر است که توصیه می‌شود برای حفظ قواعد نحو، کتاب صمدیه حفظ شود.

مقایسه کتاب‌های *هدایه* و *الفیه*

اولین تفاوت مهم بین *الفیه* و *هدایه*، تعریفی است که هر کدام از مولفان آنها از نحو (علم عربیت) در ذهن دارند. در زمان ابن مالک هنوز تفکیک بین نحو و صرف به معنای امروزی جدی نبوده و همه مسائل را تحت عنوان نحو یا عربیت بحث می‌کردند. بنابر این دیده می‌شود که علاوه بر مسائل نحو، تمام آنچه از مسائل صرفی در آن زمان مطرح بوده در *الفیه* آمده است.

اما در زمان تألیف *هدایه* و صمدیه، مسائل صرف و نحو از هم جدا شده بودند و مسئله‌های صرفی در این کتاب‌ها دیده نمی‌شود. و چون هنگام تألیف *الفیه* نحو و صرف با هم بودند و از هم جدا نشده بودند ابن مالک به تعریف علم نحو نمی‌پردازد. یعنی تعریفی به دست نمی‌دهد که هم مسائل نحوی را در بر گیرد و هم مسائل



صرفی را. ابن مالک با تعریف کلام و اجزایش بحث خود را شروع می‌کند. او در تعریف کلام به همان نکته‌ی اساسی تعریف یعنی «یصح السکوت بودن» آن اشاره می‌کند. چنانچه در *هلائیة* نیز این قید مهم آمده‌است. ابن مالک پس از تعریف کلام، مواد خامی را که تشکیل دهنده‌ی کلام هستند (اقسام کلمه: اسم، فعل و حرف) را بیان می‌کند. *الفیة* مثل *هلائیة* به بیان ویژگی‌ها و اختصاصات هر کدام می‌پردازد و البته اسم و فعل و حرف را تعریف نمی‌کند بلکه ملاک‌هایی را به دست خواننده می‌دهد که بتوان با آن‌ها نوع کلمه را مشخص کرد.

همانطور که در *هلائیة* بعد از ذکر کلمه و اقسام آن به بحث اعراب و اقسام آن پرداخته می‌شود، در *الفیة* هم بعد از ذکر خواص اقسام کلمه به بحث معرب و مبنی پرداخته می‌شود. ابن مالک ابتدا به علت مبنی شدن اسماء (شباهت مدنی به حروف) می‌پردازد و درباره‌ی این شباهت توضیح می‌دهد. سپس عمده بحثش را در چگونگی ظاهر شدن هم‌بناء و هم‌اعراب (مخصوصاً اعراب نیابتی) ادامه می‌دهد و همچنان که اشاره شد، در خلال بیان موارد اعراب به ذکر برخی مسائل صرفی نیز می‌پردازد.

در *هلائیة* بعد از بیان اعراب، وارد اقسام معربات یعنی مرفوعات و منصوبات و مجرورات می‌شود. ولی در *الفیة* قبل از این که مرفوعات را شروع کند بحث معرفه و نکره را مطرح کرده و در مورد هر کدام از اقسام معرفه توضیحی مفصل ارائه می‌دهد؛ بدین صورت که ضمیر، علم، اسم اشاره، موصول و معرف به ادات تعریف را بیان کرده و در مورد هر کدام نکات نحوی و اعرابی و صرفی را بر می‌شمرد. مثلاً در ضمیر علاوه بر بیان ضمایر مرفوعی، منصوبی، متصل و منفصل، چند بیت در مورد نحوه‌ی اتصال نون وقایه به یاء متکلم بحث می‌کند. یا در علم، در مورد کنیه و لقب و علم جنس نیز سخن می‌گوید.

بعد از معرفه و نکره، وارد بخش مرفوعات شده و بحث را با مبتدا و خبر شروع می‌کند. در *الفیة* هم بعد از مبتدا و خبر نواسخ مطرح می‌شود. یعنی کان و اخواتش، ما

و لا و لات شبیه به لیس، افعال مقاربه (که در *هلا/یه* به صورت مجزا در بخش افعال بحث شده)، *إنّ* و اخواتش و لای نفی جنس. همچنین *ظنّ* و اخواتش را که مبتدا و خبر را مفعول اول و دوم خود قرار می دهند بیان می کند. سپس به مناسبت از باب أعلم و أری که سه مفعولی هستند و گاهی بین مفعول دوم و سومش رابطه مبتدا و خبری هست سخن به میان می آورد.

پس از مبتدا و خبر و نواسخشان قاعدتا باید به سراغ فاعل و نائب فاعل رفت که همینطور هم هست. در *الفیه* بعد از بحث از نائب فاعل شاید به جهت این که در بحث نائب فاعل به مفعول به اشاره کرده، باب اشتغال، تعدی فعل و باب تنازع مطرح می شود. باب تنازع هم به جهت این که معمولا متنازع فیه، یک مفعول به است مطرح شده است. بعد از این سه باب که هر کدام از جهتی مربوط به مفعول به بودند، ابن مالک چهار مفعول دیگر را مطرح می کند و مثل *هلا/یه* استثناء، حال و تمییز را نیز بعد آنها می آورد.

بعد از بخش منصوبات بخش مجرورات را شروع می شود. *هلا/یه* در بخش مجرورات فقط به بحث مضاف الیه می پردازد. اما ابن مالک چون عقیده دارد جر مضاف الیه به حرف جر مقدر است ابتدا حروف جر را کامل مطرح می کند و سپس به سراغ اضافه می رود. ابن مالک هم مثل *هلا/یه* دو دسته اصلی اضافه (محضه و غیر محضه) را توضیح می دهد. البته همچنان که در کل کتاب پیداست مطالب بیشتری در هر بحث نسبت به *هلا/یه* مطرح می شود. ابن مالک اسماء دائم الاضافه، اعراب این اسماء و حالت های مختلف آنها، حذف مضاف یا مضاف الیه و فصل بین مضاف و مضاف الیه را نیز مطرح می کند و در ادامه مثل *هلا/یه* بحث اضافه به یاء متکلم را توضیح می دهد.

در *هلا/یه* بعد از این که مرفوعات، منصوبات و مجرورات بحث می شوند؛ نوبت به ذکر توابع می رسد. سپس مبنیات را بر می شمرد و توضیح می دهد و در خاتمه بخش



اسم، دربارهٔ اِعمال اسماء عامله مشبّهة بالفعل سخن می‌گوید.

اما در *الفیه* بعد از ذکر مجرورات به سراغ نحوهٔ اِعمال اسماء مشبّهة بالفعل می‌رود. بدین صورت که ابتدا اِعمال مصدر و سپس اِعمال اسم فاعل را بیان می‌کند. سپس در فصلی کاملاً صرفی به ذکر ابنیهٔ مصادر می‌پردازد. در ادامه ابنیهٔ اسم فاعل را نیز مطرح می‌کند. اما چون اسم مفعول و صفت مشبّهه هم گاهی با اسم فاعل در صیغه یکی می‌شوند، به ذکر ابنیهٔ آن‌ها (اسم مفعول و صفت مشبّهه) در کنار ابنیهٔ اسم فاعل می‌پردازد. سپس به تعریف و عمل صفت مشبّهه می‌پردازد. بعد از ذکر صفت مشبّهه جا داشت که به عمل اسم تفضیل بپردازد. زیرا اسم فاعل را که مطرح کرده بود و اسم مفعول هم که در عمل مثل اسم فاعل است. عمل صفت مشبّهه را هم که مطرح کرد. فقط عمل اسم تفضیل باقی می‌ماند. اما در *الفیه* ابتدا نا به ذکر اسم تفضیل پرداخته نمی‌شود بلکه ابتدا بعد از صفت مشبّهه فعل تعجب را مطرح می‌کند. شروطی که برای ساختن دو صیغهٔ تعجب ذکر می‌کند دقیقاً همان شروطی است که برای ساختن افعال تفضیل بیان می‌کند. بلکه اصلاً شروط افعال تفضیل را مطرح نمی‌کند و به همین جا رجوع می‌دهد. (صغ من مصوغ منه للتعجب / «أفعل» للتفضیل ...) بنابراین این ابتدا فعل تعجب را مطرح می‌کند و بعد از ذکر فعل تعجب به جهت پیوستگی میان فعل تعجب و افعال مدح و ذم، به ذکر افعال مدح و ذم می‌پردازد و سپس عمل و خصوصیات اسم تفضیل را توضیح می‌دهد.

در *هلاویه* البته بعد از آن که مصدر، اسم فاعل، اسم مفعول و صفت مشبّهه را مطرح می‌کند بلافاصله اسم تفضیل را نیز مطرح می‌کند. سپس در بخش افعال وقتی به فعل تعجب می‌رسد در آن جا می‌گوید: «و لا یبیینان «ما افعله» و «افعل به» الا مما ینبئ منه افعال التفضیل». و شاید ترتیب *هلاویه* بهتر باشد زیرا می‌توان وجه آن را این گونه بیان کرد که صیغه‌های تعجب معنای افضلیت را می‌رسانند؛ مثلاً در «أحسن بزیّد»، حُسن زید از حد معمولی بالاتر است و این بالاتر بودن در حدی است که ما را به تعجب وا



می‌دارد.

در الفیه بعد از اسم تفضیل وارد توابع شده و از نعت و توکید و عطف بیان و عطف نسق و بدل صحبت می‌کند. بعد از آن وارد بحث نداء می‌شود و در آن تمام آنچه را مربوط به نداء است مورد بحث قرار می‌دهد. از توابع منادا و منادای مضاف به یاء متکلم تا اسماء لازم النداء و استغاثه و ندبه و ترخیم. سپس باب اختصاص، تحذیر و اغراء را به جهت مناسبتشان با نداء بحث می‌کند. زیرا مثلاً در تحذیر که غالباً برای مخاطب به کار می‌رود نوعی معنای خطاب کردن و نداء وجود دارد. بعد از این دو باب، ابن مالک در فصلی از اسماء افعال و اصوات و در فصل بعدی از نون تأکید بحث می‌کند در حالی که اولاً جایگاه این دو فصل در این جای کتاب چندان مشخص نیست. ثانیاً بحث از نون تأکید هم بیشتر یک بحث صرفی می‌باشد.

در آخر بخش اسم، هم بحث اسم‌های غیرمنصرف را مطرح می‌کند. سپس وارد بخش افعال می‌شود و خصوصاً دربارهٔ اعراب فعل مضارع، عوامل نصب آن، مواضع اضممار آن و عوامل جزم سخن می‌گوید. سپس تعداد معدودی از حروف را بیان می‌کند و در پایان اسماء عدد و حکایت را بحث می‌کند.

بعد از حکایت، بحث‌ها کاملاً صرفی می‌شوند. ابن مالک در این بخش صرفی از تانیث، مقصور و ممدود، نحوهٔ تثنیه و جمع بستن، اوزان جمع تکسیر، تصغیر، نسبت، إماله و ... صحبت می‌کند.

همانطور که در ابتدا گفته شد، ابن مالک قصد دارد یک دوره از تمام آنچه که در زمان خودش زیرمجموعه علم عربیت بوده، بیان کرده و به مخاطب عرضه نماید. پس اولاً در صدد این نبوده که مسائل صرف و نحو را از هم جدا کند و هر کدام را با توجه به غایتشان (صرف: کلمه شناسی - نحو: تشخیص اعراب و بنای کلمه در کلام) بحث کند. ثانیاً به جهت این عدم تفکیک، نظم منطقی (مثل آنچه در هدایه است) در الفیه دیده نمی‌شود.

تفکیک مباحث و این‌که ذیل هر عنوان دقیقاً زیرمجموعه‌های آن مورد بحث قرار گیرند به خوبی در هدایه دیده می‌شود. به طوری‌که مثلاً در بخش مرفوعات، همه نواسخ بحث نمی‌شوند بلکه تنها اسم یا خبری از آن‌ها که مرفوع هستند مورد بررسی قرار می‌گیرند. و توضیح مفصل درباره نواسخ را به بخش خودشان موکول می‌کند؛ افعال ناقصه و افعال مقاربه را در بخش افعال و حروف ناسخه را در بخش حروف مورد بررسی قرار می‌دهد.





فهرست منابع

١. ابن حاجب، عثمان بن عمر، *الكافية في علم النحو*، صالح عبد العظيم شاعر، القاهرة، مكتبة الآداب، الطبعة الاولى.
٢. ابو حيان، محمد بن يوسف، *الهداية في النحو*، حسين شير افكن، قم، مركز جهاني علوم اسلامي، چاپ ششم، ١٣٨٤ش.
٣. ابو الفتح، عثمان بن جني، *اللمع في العربية*، سميح ابو مغلي، عمان، دار مجدلاوي للنشر، ١٩٨٨م.
٤. الزجاجي، ابوالقاسم عبد الرحمن بن اسحاق، *الجمال في النحو*، بيروت، مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى، ١٤٠٤هـ - ١٩٨٤م.
٥. زمخشري، محمود بن عمر، *المفصل في صنعة الاعراب*، محمد نعساني حلبى، بيروت، دار و مكتبة الهلال، الطبعة الاولى.
٦. سيوطى، عبد الرحمن بن ابى بكر، *البهجة المرضية على الفية ابن مالك*، مصطفى حسيني دشتى، قم، انتشارات اسماعيليان، چاپ نوزدهم.
٧. سيوطى، عبد الرحمن بن ابى بكر، *تحفة الاديب فى نحاة معنى اللبيب*، اردن، عالم الكتب الحديث، الطبعة الثانية.
٨. صدر الافاضل، القاسم بن الحسين الخوارزمى، *التخمير*، عبد الرحمن بن سليمان العثيمين، بيروت، دار الغرب الاسلامي، الطبعة الاولى، ١٩٩٠م.
٩. عاملى، بهاء الدين، محمد بن حسين، *الفوائد الصمدية*، على افراسيابى، قم، انتشارات نهاوندى، چاپ نهم، زمستان ١٣٨٧.
١٠. الفارسي، ابو على، *الايضاح العضدى*، حسن شاذلى فرهود، الرياض، كلية الآداب، الطبعة الاولى، ١٣٨٩هـ - ١٩٦٩م.
١١. القفطى، على بن يوسف، *إنباه الرواة على أنباه النحاة*، بيروت، المكتبة العنصرية، الطبعة الاولى، ١٤٢٤هـ.